

ORIGINAL ARTICLE

The role of artistic illustration of the Quran on the concept of verses without change in meaning

Hadi Razaghi Harikandehe

Associate Professor, Department
Islamic teachings, University Sanati
Noushervani Baboll, Baboll, Iran.

Correspondence:
Hadi Razaghi Harikandehe
Email: razaghi@nit.ac.ir

Received: 24 Oct 2022
Accepted: 02 Jun 2024

How to cite

Razaghi Harikandehe, H. (2024). The role of artistic illustration of the Quran on the concept of verses without change in meaning. Journal of Qur'anic Interpretation and Language, 13(2), 32-42. (DOI:10.30473/quran.2024.65883.3200)

ABSTRACT

In the interpretation, along with the conceptualization; the artistic illustration of the Qur'an should also be original because every image in the Qur'an has its own originality, and it refers to a specific situation, and we cannot use other images instead of them. With the description of some commentators in the explanation of the verses; In addition to changes in the meaning of their imagery, they have replaced the verses, which has caused a change in the Qur'anic expressions. One of the changes is in the attributes. They have considered other meanings for the attributes stated in the Qur'an. while changing the Quranic expressions has caused a lack of understanding of the conceptualization and points hidden in the Quran. For example some commentators have considered "Matiye" in their interpretation to mean "future" and a subject noun. Or, in the verse "Maqam Amin", "Amin" is not described as a position; rather, they have considered it as a description of the official. This research aims to state that with the artistic illustration of the Quran, there is no need to change the attributes in the interpretation; because the attributes change; In addition to influencing the Quranic conceptualization, it also causes a change in meaning, and since each verse refers to a specific situation, a special interpretation showing the situation should be used.

KEYWORDS

illustration, Described matiye, Maqam Amin.

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی بیست و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (۳۲-۴۲)

DOI: 10.30473/quran.2024.65883.3200

«مقاله پژوهشی»

نقش تصویرسازی هنری قرآن بر مفهوم آیات بدون تغییر در معنا

هادی رزاقی هریکندهئی^۱

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل،
بابل، ایران.

نویسنده مسئول:

هادی رزاقی هریکندهئی

رایانامه: razaghi@nit.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

استناد به این مقاله:

رزاقی هریکندهئی، هادی (۱۴۰۳). نقش
تصویرسازی هنری قرآن بر مفهوم آیات بدون
تغییر در معنا. پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن،
۳۲-۴۲، (۲)۱۳.

(DOI:10.30473/quran.2024.65883.3200)

چکیده

در تفسیر باید در کنار مفهوم‌سازی، تصویرسازی هنری قرآن نیز اصل قرار گیرد زیرا هر تصویری در قرآن برای خود اصالت داشته، و به موقعیت خاصی اشاره می‌کند و ما نمی‌توانیم تصویرهای دیگر را به جای آنها به کار ببریم. مع‌الوصف برخی مفسران در توضیح آیات؛ ضمن تغییراتی در معنا تصویرسازی خودشان را جایگزین آیات نموده که این عمل موجب تغییر در عبارت‌های قرآنی شده است. یکی از آن موارد که می‌شود بدان اشاره نمود تغییر در اوصاف است. آنان معانی دیگری برای اوصاف بیان شده در قرآن در نظر گرفته‌اند که این امر؛ ضمن تغییر در عبارت‌های قرآنی؛ موجب عدم درک مفهوم‌سازی و نکات نهفته در قرآن گردیده است. به طور مثال: برخی مفسرین "ماتی" را در تفسیرشان به معنای "آتی" و اسم فاعل دانسته‌اند. یا در آیه "مقام امین" «امین» را وصف مقام نگرفته؛ بلکه آن را وصف برای صاحب‌مقام دانسته‌اند. این پژوهش درصدد است تا بیان نماید با تصویرسازی هنری قرآن هیچ نیازی به تغییر اوصاف در تفسیر نیست؛ زیرا تغییر اوصاف؛ ضمن تاثیر در مفهوم‌سازی قرآنی موجب تغییر در معنا نیز می‌شود و از آنجایی که هر آیه بر موقعیت خاصی اشاره دارد باید از تعبیر خاصی که آن موقعیت را نشان می‌دهد بهره جست.

واژه‌های کلیدی

تصویرسازی، وصف، ماتی، مقام امین.



۱. طرح بحث

قرآن کریم آخرین کتابی است که خداوند متعال برای هدایت بشر نازل نموده و بعد از آن دیگر کتاب و پیامبری نازل نخواهد شد. لذا فهم آن برای همگان لازم و ضروری بوده تا با پیروی از آن به سعادت دنیوی و اخروی نائل گردند. از این رو خداوند کلام خویش را با روش‌های خارق‌العاده، هنرمندانه و با آفرینش اعجازانگیز هنری در قالب بیان به تصویر کشیده و این خود؛ از حوزه‌های اعجاز زبانی و بیانی قرآن کریم به شمار می‌رود. در این روش قرآن کریم جهت بیان اغراض خویش؛ با ارائه تصویرسازی هنرمندانه بعضی از وقایع را در قالب‌های ادبی ویژه‌ای به تصویر کشیده و مخاطب خود را به گونه‌ای تحت تاثیر اقوالش قرار می‌دهد. تصویرسازی هنری قرآن به یک معنا، تلاش برای دست یافتن به نقشی شناختی این کتاب آسمانی است تا به ما نشان دهد که قرآن در توصیف موقعیت‌های گوناگون چگونه مفهوم‌سازی می‌کند. وجود تشابه معنایی در برخی واژه‌های قرآنی گروه عظیمی از مفسرین را بر آن داشته است که در ترجمه یا تفسیر آیات به ظاهر متشابه در الفاظ؛ تفاوت خاصی را قائل نگردند و در معانی واژگان نزدیک به هم به ارائه یک معنا در جایگاه‌های متفاوت از قرآن کفایت نمایند و یا معانی واژه‌ها و تعبیرهای قرآنی را تغییر دهند. اما در این میان تصویرسازی هنری قرآن کریم دریچه‌ای تازه از ارائه معانی جدید و بدیع به روی مفسرین و مخاطبان آنها گشوده است به گونه‌ای که دانستن این دانش جدید در حوزه علوم اسلامی و خصوصاً تفسیر قرآن نقش ویژه‌ای دارد. از جمله نقش ارزنده این دانش این است که به کمک آن می‌توان قرآن را همانگونه که هست تحلیل نموده و تا حدودی نیز به اسرار مفهوم‌سازی قرآنی دست یافت. همچنین می‌توان آنها را به همان صورت اصلی و بدون ارجاعشان به صورت دیگر؛ بررسی نمود. به عبارت دیگر می‌توان به سبب این دانش؛ آیات قرآن را براساس خود آنها تحلیل نمود. البته نباید این نکته را هم نادیده گرفت که این تحلیل‌های شناختی امری کاملاً جدید و بدیع در جهان اسلام نیستند و مشابه آنها در آثار بسیاری از بزرگان ادب و تفسیر مانند کسانی چون سیبویه نحوی و مرحوم رضی در شرح کافیه مشاهده می‌شود هرچند به گونه‌ای نظام‌مند ارائه نشده بود(قائم‌نیا: ۲۷-۲۹) با این حال ضرورت استفاده از این روش‌های نوین معناشناسی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. مقابله با تفسیر به رأی و رشد آن:

مهمترین عاملی که باعث تفسیر به رأی می‌گردد قیاس و تمایلات درونی می‌باشد که هر مفسری آیات قرآن را براساس دیدگاه و خواسته خودش تفسیر نماید و مهمترین وجه تمایز این نوع تفسیر از سایر تفاسیر عدم استفاده از ریاالواین معناشناختی در تفسیر قرآن باشد.(بستانی، ۱۳۹۰: ۱۶۹)

۲. ساختار قرآن کریم:

یکی دیگر از مسائلی که ضرورت استفاده از روش‌های نوین معناشناختی را بیشتر نمایان می‌سازد ساختار قرآن کریم است که به سبب آن می‌توان به نکات ظریف نهفته در تعبیر قرآنی اشاره نمود. به تعبیر دیگر این دانش خطای بسیاری از تحلیل‌های ادبی را نشان می‌دهد و افق دید مفسر را به جایی می‌برد که بدون آن، امکان دسترسی به آنها را نداشته است. (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۵)

با ذکر این مقدمه به سوال اصلی خود در این پژوهش می‌پردازیم که تصویرسازی هنری در تفسیر چه تاثیری در مفهوم‌سازی آیات خواهد داشت. ما در ادامه در ضمن بیان اینکه تعبیر وصف در آیات قرآن باعث تغییر معنایی می‌شود به ذکر نمونه‌ای از جمله آیه ۶۱ سوره مریم(وَعَدَهُ مَآئِیًا) و آیه ۵۱ سوره دخان (وَإِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ) پرداخته‌ایم.

۱-۱ پیشینه تحقیق:

در رابطه با تحقیق صورت گرفته بالخصوص یعنی "تصویرسازی هنری قرآن و تاثیر آن در مفهوم‌سازی آیات" تا آنجا که مورد بررسی قرار گرفته، ارزیابی مستقلاً تدوین نشده است. در این زمینه می‌توان به برخی از آثار از جمله: به کتاب معناشناسی زیبایی در قرآن کریم اثر مهدی مطیع، کتاب معناشناسی شناختی قرآن از آقای علیرضا قائمی‌نیا و کتاب درآمدی بر معناشناسی آقای کوروش صفوی در این خصوص اشاره نمود. همچنین رساله دکترا با عنوان معناشناسی شناختی نفس در ساحت انسان‌شناسی قرآن از آقای رسول احمدی و پایان‌نامه ارشد با عنوان تحلیل معناشناسی سوره مبارکه احزاب با تکیه بر روش‌شناختی از خانم فاطمه جوانبخت اشاره نمود. برخی از مقالات در خصوص معناشناسی واژگان قرآنی کار شده از جمله آنها معناشناسی «احد» در سوره توحید از منظر روایات فریقین نویسندگان: حسین علوی‌مهر، محمد رضا حقیقت‌سمانی؛ بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان

قرآن نویسندگان: سمیرا خسروی، حسین خاکپور و سمیرا دهقان
که این مقالات نیز ربطی به بحث ما ندارد.

۲-۱ روش پژوهش

روش این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی که نظری و تئوریک است، جنبه توصیفی، تحلیلی دارد؛ در این رساله نظریه نویسندگان با توجه به مبانی آن براساس روش‌شناسی بنیادی بازخوانی می‌شود و نقدهای روش‌شناسی، روشی و مبنایی در این اثر مدنظر خواهد بود؛ البته ماهیت کار در جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و براساس مشاهدات یافت‌شده در کتب مختلف در این زمینه است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱ تصویرسازی:

تصویر در لغت به معنی صورت و شکل قرار دادن برای چیزی یا نقش کردن و رسم نمودن چیزی است (دهخدا: تصویر) در اصطلاح ادبی تصویر، تابلویی است که از کلمات تشکیل شده و شیوه‌های دقیق و لطیف در توصیف حقایق است که در احساس و خیال مخاطب، صورتی مجسم و زنده از معنا را القا می‌کند. تصویر، مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی تشکیل می‌دهد (شفیعی، ۱۳۸۰: ۱۵)

بیان تصویری که یکی از جنبه‌های بیان هنری در قرآن به شمار می‌رود، همان تصویر ذهنی است که در قوه خیال انسان شکل می‌گیرد. از ویژگی‌های تصویر ذهنی در قرآن این است که در خدمت اهداف دینی، تربیتی و اخلاقی است. تصویر قرآنی، برخلاف تصاویر ادبی معمول، بازنمای حقیقت است و در عین حال تحریک‌کننده خیال نیز هست و برای تأثیرگذاری معنا بر جان و دل مخاطب از عنصر عاطفه مدد می‌گیرد. قرآن با استفاده از اسلوب بدیع هنری، معارف ژرف و عمیق خود را در سطح فهم بشر عرضه داشته و با ترسیم دقیق حقایق در تصاویر و صحنه‌هایی زنده، معانی و مفاهیم انتزاعی و حالت روحی و درونی انسان‌ها را برایشان محسوس و قابل درک نموده است. بر این اساس تصاویر قرآنی، تنها برای تزئین کلام به کار نرفته‌اند بلکه گاهی برخی مضامین قرآنی، جز با تصویرگری نمود پیدا نمی‌کنند و مناسب‌ترین روش در آشکار کردن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب، همین ابزار تصویر است. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۶۳)

۲-۲ معناشناسی:

یکی از روش‌های فهم متن، روش سمانتیک (Semantics) یا معناشناسی است که از ظهور آن به عنوان یک علم، کمتر از نیم‌قرن می‌گذرد. واژه Semantiq از سوی «م. برآل» در سال ۱۸۹۳ میلادی با اقتباس از لغت یونانی Semantika، جمع Semantias به معنای علم مطالعه معنا وضع شد. این اصطلاح تنها برای اطلاق به معنا به کار گرفته نشد، بلکه سیر تحول آن را که معناشناسی تاریخی نامیده می‌شود، دربر گرفت و مدت‌زمانی به طول انجامید تا این اصطلاح رسمیت یافت (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۴)

معناشناسی را می‌توان عبارت از مطالعه علمی (صریح بدون پیش‌داوری) معنای مراد و لوازم زبان در گذر تاریخ یا متن دوره‌ای خاص دانست که موضوع آن می‌تواند هر چیزی باشد که نقش نشانه یا رمز را ایفا می‌کند که این نشانه‌ها و رموزها گاه غیرزبانی هستند، ولی دارای معنا و گاه زبانی می‌باشند. در زبان عربی، برخی آن را «علم الدلالة» (با فتح و کسر دال) و برخی «علم المعنی» می‌نامند (احمد مختار، ۱۳۷۵: ۲۰-۱۹)

"معناشناسی" ابزاری برای شناخت معناست؛ پس باید بتواند در فضاها و محیط‌های گوناگون روشی مناسب با کشف معنا و درخور آن متن برای رسیدن به مراد مؤلف بیابد (مطیع، ۱۳۸۷: ۳۲) به صورت کلی، می‌توان چنین بیان کرد که معناشناسی اصطلاحی فنی است که به مطالعه معنی اطلاق می‌شود و معنا نیز صرفاً دانستن معنای لغت نیست، بلکه آگاهی از بافت فرهنگی و نیز رابطه یک واژه با واژگان دیگر در داخل یک متن است. معناشناسی شناختی قرآن نیز از ضروریات انکارناپذیر است که در حوزه‌ی معناشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مراد از "معناشناسی شناختی قرآن" اتخاذ رویکردی به معناشناسی قرآن است. معناشناسی شناختی قرآن به یک معنا؛ تلاش برای دست‌یافتن به نقشه شناختی این کتاب آسمانی است تا در سایه آن؛ به ما نشان دهد که قرآن در توصیف موقعیت‌های گوناگون چگونه مفهوم‌سازی می‌کند؟ به عبارت دیگر معناشناسی قرآن به دست آوردن اصول کلی حاکم بر معانی آیات است برخلاف تفسیر که در تلاش برای به دست آوردن خود معنی آیات است لذا اینجاست که مباحث معناشناسی قرآن نسبت به مباحث تفسیری؛ بنیادی‌تر است چرا که این مباحث در خود تفسیر نیز تأثیر می‌گذارد. به این معنا که معناشناسی؛ بخش مهمی از مبانی تفسیر را بررسی می‌کند و می‌تواند با طرح مبانی جدید، در خود تفسیر هم تحول ایجاد کند. (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۴)

۲-۳ تفسیر:

تفسیر- مصدر باب تفعیل- از ماده "فَسَر" جمع آن "تفاسیر" در لغت، به اظهار معنای معقول (راغب، ۱۴۱۶: ۳۸۰)، روشن کردن و توضیح دادن مطلب و کشف نمودن آمده است. (بستانی، ۱۳۷۵: ۲۴۴) ابن منظور نیز گفته: تفسیر، روشن کردن، کشف نمودن مراد و مقصود از لفظ مشکل است. (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ص ۵۵) از علم تفسیر نیز در اصطلاح؛ تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که به چند مورد اشاره می‌کنیم.

- «علم یبحث فیه عن القرآن من حیث دلالتہ علی مراد اللہ تعالی بقدر الطاقۃ البشریة»؛ تفسیر، علمی است که در آن به قدر توان بشری از احوال قرآن از آن جهت که بر مراد خداوند دلالت دارد، بحث می‌شود. (زرقانی، بی‌تا: ۱/ ۴۷۱)

- تفسیر، بیان ظواهر آیات قرآن براساس قواعد و لغت عرب است. (تهرانی، بی‌تا: ۲۳۲/۴)

- تفسیر، بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن هست. (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۴/۱)

- تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمالی آیات قرآن؛ و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره (بابائی، ۱۳۷۹: ۲۳)

۳. تغییر وصف و تاثیر آن در مفهوم‌سازی قرآنی

قابل ذکر است هر تصویری بر مفهوم‌سازی خاصی مبتنی بوده و با تصویرهای دیگر تفاوت دارد و این در معناشناختی به عنوان یک اصل مطرح می‌باشد. در قرآن نیز هر تصویر قرآنی بر مفهوم‌سازی خاصی استوار بوده و در جای خودش باید معنا گردد و مفسر نباید اصالت آن را به هم زده و هر کدام را به جای دیگری به کار بگیرد. زیرا برگرداندن تصویری به جای تصویر دیگر؛ موجب بهم‌ریختگی مفهوم‌سازی نهفته در هر تعبیر می‌گردد و از آنجایی که هر آیه بر موقعیت خاصی اشاره دارد لذا باید از تصویر خاصی که آن موقعیت را نشان می‌دهد بهره جست. به معنای دیگر هر تعبیری برای خودش اصالت دارد و ما نمی‌توانیم در قرآن تعبیرهای دیگر را به جای تعبیر دیگر به کار برد؛ متأسفانه این امر در تفسیر توسط برخی مفسران رعایت نگردیده و در موارد بسیاری وقتی خواسته‌اند آیات را توضیح بدهند؛ مفهوم‌سازی خودشان را جایگزین آیات کرده‌اند و این عمل موجب تغییر در عبارت‌های قرآنی شده است.

به طور مثال مفسران در موارد بسیاری یا تقدیم و تأخیری در ساختار آیات در نظر می‌گیرند و یا چیزی را محذوف یا مقدر می‌دانند. گاهی هم آنها برای اینکه معنای مورد نظرشان را از آیات به دست بیاورند، شکل صرفی واژه‌ها را تغییر می‌دهند، این قبیل تغییرها که در تفسیر به چشم می‌خورد، با مفهوم‌سازی قرآن تفاوت دارد. هریک از آن تغییرها مفهوم‌سازی‌های خاص مفسران را نشان می‌دهد. در تفسیر باید خود مفهوم‌سازی قرآن اصل قرار گیرد و مفهوم‌سازی نهفته در آن بررسی شود زیرا هر واژه قرآنی با مفهوم خاصی مرتبط است و به شیوه‌ای خاص از قلمرو معرفت، نمابرداری می‌کند. هرگز دو واژه به نحو یکسان از یک قلمرو نمابرداری نمی‌کند. از این‌رو، هر واژه قرآنی کارکرد خاص خودش را دارد که واژه دیگر نمی‌تواند آن را انجام دهد. (قائم‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۰-۱۳۲)

یکی از مواردی را که برخی مفسران مفهوم‌سازی خودشان را جایگزین آیات نموده‌اند تغییر اوصاف می‌باشد. آنان معانی دیگری را برای اوصاف بیان شده در قرآن در نظر گرفته‌اند که این امر ضمن تغییر در عبارت‌های قرآنی؛ موجب عدم درک مفهوم‌سازی قرآنی و نکات نهفته در آن گردیده است. اصالت تعبیرهای قرآنی بیانگر این است که هر تعبیر قرآنی تنها با یک توصیف از موقعیت موردنظر تناسب دارد که خداوند خواسته آن را توصیف کند. ما در اینجا به چند مورد از تغییر وصف اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

۳-۱ وعده ماتّی خداوند

خداوند متعال در سوره مریم در خصوص وعده بهشت به بندگان می‌فرماید: «جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا.. باغ‌هایی است جاودانی که خداوند رحمان، بندگان را به آن وعده داده است، هر چند آن را ندیده‌اند، وعده خدا حتماً تحقق‌یافتنی است (مریم/۶۱)

در این آیه که خداوند بندگان را به باغ‌های جاودان وعده داده تحقیقش در زمان آینده است و بعد از مرگ اتفاق خواهد افتاد. به تعبیر دیگر وعده مذکور در آتی (آینده) است که خواهد آمد و نه ماتّی (چیزی که به سوی او می‌روند) لذا به همین دلیل برخی از مفسرین "ماتّی" را در این آیه به معنای "آتی" گرفته و اسم مفعول را در اینجا به معنای اسم فاعل دانسته‌اند و ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۳-۱-۱ علامه طبرسی:

طبرسی در مجمع می‌نویسد: «إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا: مسلماً وعده خدا قطعاً فرا می‌رسد! در اینجا کلمه «مأتیا» اسم مفعول و به معنای اسم فاعل است. زیرا «آینده» و «آمده» یکی است. (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۴۰/۶)

۳-۱-۲ علامه طباطبائی:

علامه طباطبائی نیز مفعول را به معنای فاعل دانسته و می‌نویسد: «اگر به شما وعده‌ای بدهند می‌توانیم بگوییم به آن وعده می‌رسی، ولی آن هم به تو می‌رسد، همچنان که هر چیزی که به آدمی برسد آدمی هم به آن می‌رسد، به عنوان مثال، گفته می‌شود پنجاه سال بر من آمد، و هم من به پنجاه رسیدم.» ایشان در ادامه به دیدگاه دیگری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «برخی هم گفته‌اند: موعود آدمی نیست، بلکه بهشت است و مؤمنین به بهشت می‌رسند، نه اینکه بهشت به مؤمنین برسد.» (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۱۴/۱۰۶)

۳-۱-۳ زمخشری:

زمخشری نیز در ترجمه این آیه، مفعول را به معنای فاعل می‌داند و در توجیه آن بیان داشته که وعده به بهشت یعنی به آن خواهی رسید. لذا می‌نویسد: «مَاتِيًا» مفعول به معنی فاعل، و الوجه أنَّ الوعد هو الجنة و هم يأتونها..... (زمخشری، بی‌تا: ۳/۲۷)

۳-۱-۴ فخر رازی

فخر رازی هم در توجیه اینکه مفعول را به معنای فاعل بیان داشته می‌نویسد: «مَاتِيًا فقیل إنه مفعول بمعنی فاعل و الوجه أنَّ الوعد هو الجنة و هم يأتونها... وعده به بهشت یعنی به آن خواهی رسید. (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۵۵/۲۱)

در اینجا مشاهده می‌کنیم که مفسرین مفعول را به معنای فاعل معنا نموده‌اند. چه نیازی که ما مفعول را به معنای فاعل بدانیم؟ به نظر اگر دقت شود نیازی به تعبیر وصف در اینجا نیست و آنچه را که خداوند در اینجا به کار برده کاملاً صحیح است. در اینجا ابتدا لازم است تعریف مختصری از اسم فاعل و مفعول داشته باشیم تا زوایای بحث بهتر روشن گردد.

استرآبادی در تعریف اسم فاعل می‌نویسد: اسم فاعل "صیغه‌ای است که از فعل مشتق می‌شود و دلالت بر کسی می‌کند که فعل به او قائم است و معنای حدوثی دارد." (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۴۱۳/۳) غلابینی نیز در تعریفش می‌نویسد: «اسمُ الفاعلِ صفةٌ تؤخذ من فعل المعلوم، لتدلَّ علی معنی وقع من الموصوف بها أو قام به علی وجه الحدوث لا الثبوت.. اسم فاعل اسمی است که بر چیزی یا کسی که فعل از او صادر شده است دلالت می‌کند یا بر چیزی که وصف به آن قائم است و صدور فعل یا قیام وصف از این فاعل بر وجه حدوث است نه ثبوت، یعنی همیشگی نیست.» (غلابینی، ۱۴۱۴: ۱۳۲)

شرتونی در تعریف اسم فاعل و مفعول می‌نویسد: «اسم فاعل صیغه‌ای است که از فعل مشتق می‌شود و دلالت بر کسی می‌کند که فعل به او قائم است و معنای حدوثی دارد. اسم مفعول دلالت می‌کند بر کسی یا چیزی که فعلی بر او واقع شده است.» (شرتونی، ۱۳۹۶: ۴/۱۱۴-۱۲۴)

طباطبائی نیز در تعریف اسم مفعول می‌نویسد: «اسم مفعول آنچه را از مصدر مشتق شود برای آنچه فعل بر آن واقع شود.» (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۷۵)

با توجه به تعریف انجام شده روشن می‌شود که چرا خداوند در آیه موردنظر از مفعول استفاده نموده است. در اینجا خداوند به نوعی از همان تصویرسازی هنری در بیان مفهوم بهره جسته است. خداوند رحمان آیه را با وعده به عدن آغاز نموده و وعده همان باغ‌های جاودان است که بندگان را به آن داخل می‌کند و این "وعد" از آنجایی که وعده الهی است تغییرناپذیر است و دارای حالت ثبوت و استقامت است. در مقابل، وضعیت انسان‌ها تغییرپذیر است؛ ممکن است آنها ثبات و استقامت داشته باشند و به آن باغ‌ها دست بیابند؛ یا اینکه استقامت و پایداری نداشته باشند و به آن باغ‌ها نرسند. نسبت انسان‌ها به آن باغ‌ها تغییر می‌کند و وضعیتشان نامعلوم است ولی وضعیت آن باغ‌ها ثابت است و هیچ‌گونه تغییری در آن پیدا نمی‌شود. در نتیجه چون محور سخن خداوند متعال در مورد وعده‌اش که همان باغ‌های جاودان است به صورت مفعول آورده تا بیان نماید وعده ما حق و تغییرناپذیر است و این تو انسان هستی که می‌توانی با استقامت و شکیبایی به آن دست بیابی و یا از آن محروم شوی.

۳-۲ صفت امین

شکی نیست که توجه به بافت سخن و سایر اجزای کلام، در فهم مراد گوینده نقشی اساسی دارد و یکی از مباحث تعیین‌کننده در فهم قرآن کریم است ولی این‌گونه نیست که مفسر مفهوم‌سازی خودش را جایگزین آیات نموده و هر تعبیری که بخواهد به کار گیرد. زیرا بیان گردید در قرآن هر تعبیری بر مفهوم‌سازی خاصی استوار بوده و در جای خودش باید معنا گردد و مفسر نباید اصالت تعبیر را به هم زده و هر کدام را به جای دیگری به کار بگیرد. یکی از این موارد صفت امین است لذا ما در ابتدا آیات موردنظر را که واژه امین در آن به کار رفته را بیان می‌کنیم و سپس به توضیح آن می‌پردازیم. خداوند در ذیل آیه ۵۱ دخان می‌فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ... متقین در جایگاهی هستند که در آنجا امنیت دارند..» در

۳-۲-۳ سیوطی:

سیوطی در تفسیرش می‌نویسد: «حدثنا بشر، قال: ثنا يزيد، قال: ثنا سعيد، عن قتادة، قوله: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ إِي و الله، أمين من الشيطان و الأنصاب و الأحزان....» متقين قیامت در مقام امین هستند یعنی به خدا قسم ایمن از شیطان و مشکلات و ناراحتی هستند.... امین همان باغ‌ها با چشمه‌هایی باشد که در زیر درختانش جاری است. (سیوطی، ۱۳۶۳: ۳۳/۶)

۳-۲-۴ آلوسی

آلوسی می‌نویسد: «متقين افرادی هستند که در زندگی تقوا پیشه کرده‌اند. کسانی که در این عالم قلبشان مطمئن به ایمان گردید و خانه دل را از اغیار خالی نموده.... اینان در قیامت در جایگاه امن سکنا می‌گزینند. در اینجا نسبت دادن «أمن» به «مقام» و گفتن «مقام امین» از باب مجاز در نسبت است؛ به دلیل آن که «امین» صفت «صاحب مقام» است و در ظاهر به خود «مقام» نسبت داده شده است. (آلوسی، ۱۳۳/۱۳)

۳-۲-۵ بروسوی

حقّی بروسوی نیز در تفسیرش می‌نویسد: «امین ضد خائن است. چنان‌که گفته می‌شود آن مرد امین است و در امانت خیانت نکرده است. پس امین در حقیقت وصف صاحب مکان است. لیکن توصیف مکان با آن استعاره‌ی تخیلی است.» (حقّی بروسوی، بی‌تا: ۴۲۹/۸) در آنچه را ذکر شده مفسرین؛ معانی دیگری را برای اوصاف در نظر گرفته‌اند که این امر موجب شده آنها مفهوم‌سازی قرآنی و نکات دقیقی را که در آن نهفته است، نادیده بگیرند. از همین باب در این آیه «امین» را وصف مقام نگرفته؛ بلکه آن را وصف برای صاحب مقام دانسته‌اند؛ یعنی متقین در جایگاهی هستند که در آنجا صاحب مقام دارای امنیت است. به نظر مفسرین چون دیده‌اند که در برخی از آیات مثل «إِنِّي لَكُمْ رَسُولُ أَمِينٍ» «امین» به عنوان وصف شخص آمده از این‌رو، آنها در آیه قبلی (۵۱ دخان) «امین» را وصف صاحب مقام دانسته‌اند و نه مقام. در صورتی که تعبیر قرآنی کاملاً متفاوت با این مقوله بوده و در آیه امین وصف مقام قرار گرفته است. قابل ذکر است که در اینجا نیز خداوند به نوعی از همان تصویرسازی هنری در بیان مفهوم بهره جسته است و اصلاً نیازی به تغییر وصف نیست و می‌شود آیه را همان‌طوری که نازل یافته تفسیر نمود و چیزی (صاحب) را برایش در تقدیر نگرفت.

اینجا خود مقام با امین توصیف شده است. قرآن در جای دیگر امین را وصف "بلد" می‌آورد و می‌فرماید: «وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ..» یعنی مکه بلد و شهر حرام است و در آن خائف و ترسو در امانست.. (تین/۳) و «أَمِينٍ مِنْ قَوْلِكَ: أَمِنْ الرَّجُلِ أَمَانَةٌ فَهُوَ أَمِينٌ..» و هو ضد الخائن، فوصف به المكان استعارة، لأنَّ المكان المخيف كأنما يخون صاحبه بما يلقي فيه من المكاره.. امین ضد خائن است. چنان که گفته می‌شود آن مرد امین است و در امانت خیانت نکرده است. پس امین در حقیقت وصف صاحب مکان است. لیکن توصیف مکان با آن استعاره‌ی تخیلی است.» (زمخشری، بی‌تا: ۲۸۳/۴)

خداوند همچنین در سوره شعرا "امین" را به عنوان وصف شخص آورده و می‌فرماید: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولُ أَمِينٍ» یعنی من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتماد هستم. (شعراء/۱۰۷) برخی از مفسرین درباره آیه: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ..» «امین» را وصف مقام نگرفته؛ بلکه آن را وصف برای صاحب مقام دانسته‌اند؛ یعنی متقین در جایگاهی هستند که در آنجا صاحب مقام دارای امنیت است.

"امین" وصف برای صاحب مقام

۳-۲-۱ علامه طباطبائی

صاحب المیزان می‌نویسد: «کلمه "مقام" به معنای محل قیام، یعنی محل ثبوت و پابرجایی هر چیز است، و به همین جهت محل اقامت را نیز مقام گفته‌اند. و کلمه "امین" صفتی است از "أمن" یعنی نرسیدن مکروه. و معنای جمله این است که: پرهیزکاران - در روز قیامت - در محلی امن از هر مکروه و از مطلق نامالایمات ثابت و مستقر می‌باشند. با این بیان روشن می‌شود که نسبت دادن "أمن" به "مقام" و گفتن "مقام امین" از باب مجاز در نسبت است، چون گفتیم امین صفت صاحب مقام است و در ظاهر به خود مقام نسبت داده شده است (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۱۸: ۱۴۹/۱)

۳-۲-۲ علامه طبرسی:

طبرسی در مجمع البیان می‌نویسد: «متقين کسانی که از نافرمانی خدا اجتناب می‌کنند، و نافرمانی خدا را زشت می‌دانند، و همیشه فرمان خداوند را بجا می‌آورند. "فِي مَقَامٍ أَمِينٍ" هم یعنی در جایگاهی هستند که در آنجا امنیت دارند و از حوادث تغییر و مرگ در امان هستند (طبرسی، ۱۴۰۶: ۱۰۵/۹)

وصف (راضیه) به خاطر مبالغه به عیش (غیر ما هو له) اسناد داده شده است. ما در اینجا به برخی از آنها به مختصر اشاره می‌کنیم.

توصیف عِیشَة با رَاضِيَة از باب مجاز عقلی

۳-۳-۱ علامه طباطبائی:

صاحب المیزان می‌نویسد: «آیه راضیه و خوشی را به خود عیش نسبت داد، با اینکه صاحب عیش راضی و خشنود است، این یا از باب مجاز عقلی است، و یا کلمه "راضیه" به معنای "ذات رضی" و تقدیرش "فی عِیشَة ذات رضی" است، یعنی در عیشی که رضایت‌بخش است. (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۲۰/۳۴۹)

۳-۳-۲ شیخ طوسی:

شیخ طوسی نیز در تفسیرش فاعل را به معنای مفعول دانسته و می‌نویسد: «فیکون صاحبها «فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» أی مرضیه، فاعل-ها هنا- بمعنی المفعول.. (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۲: ۱۰/۴۰۰)

۳-۳-۳ فخر رازی

فخر رازی از مفسرین اهل سنت هم رضایت عیش را به رضایت صاحب عیش دانسته و در اینجا فاعل را مفعول معنا نموده است. لذا می‌نویسد: «و أما الراضية فقال الزجاج: معناه أي عيشة ذات رضا يرضاها صاحبها... و لهذا قال المفسرون: تفسيرها مرضية على معنى يرضاها صاحبها... (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۳۲/۲۶۸)

۳-۳-۴ ابن عاشور

ابن عاشور نیز آیه را مجاز عقلی دانسته و رضایت عیش را به رضایت صاحب عیش تعبیر می‌کند و می‌نویسد: «راضِيَة مجاز عقلي لأن الراضي صاحبها راض بها فوصفت به العيشة لأنها سبب الرضى أو زمان الرضا... (ابن عاشور، ۱۴۱۷: ۳۰/۴۵)

ما در اینجا نیز شاهد هستیم که مفسرین تغییر در وصف ایجاد نموده و فاعل را به معنای مفعول معنا نموده‌اند. جای سؤال است چرا خداوند از فاعل به جای مفعول استفاده نموده و از همان ابتدا مفعول نیابوده است؟ چه نیازی که ما فاعل را به معنای مفعول بدانیم؟ به نظر اگر دقت شود با اندک توضیحی نیازی به تغییر وصف نیست و آنچه را که در اینجا به کار برده شده کاملاً صحیح می‌باشد و خداوند به نوعی از همان تصویرسازی هنری در بیان مفهوم در اینجا بهره جسته است. در واقع، طبق نظر مفسران (برخلاف صریح آیه) اگر اینجا آیه را از باب مجاز عقلی و یا فاعل را به معنای مفعول

زیرا آیه ۵۱ سوره‌ی دخان، خداوند به این نکته اشاره کرده است که متقین در مقام امین قرار دارند؛ یعنی در مقامی که قرار دارند که به مظلوف خود خیانت نمی‌کند. خود مقام، امین است. چگونه مقامی امین می‌شود؟ پاسخ این پرسش واضح است: اولاً، مقام امین به مظلوفش خیانت نمی‌کند و او را محفوظ نگه می‌دارد. بدین معنا که او را از هر چیزی که برایش مضر است، دور می‌سازد. ثانیاً، هر آنچه را که برای بقا و خوشی‌اش بدان نیاز دارد، برایش مهیا می‌سازد. در این مفهوم‌سازی، «امین» وصف خود مقام می‌شود. آیه تصویری از سرنوشت متقین را ترسیم می‌کند. خداوند آنها را در مقامی داخل خواهد ساخت که هیچ‌گاه به آنها خیانت نمی‌کند و نسبت به آنها امین است. برداشت مفسرانی که «امین» را وصف صاحب مقام دانسته‌اند، تعجب‌برانگیز است. باید از آنان بپرسیم که در مورد آیه‌ای که در آن «کریم» وصف مقام شده است، چه می‌گویند؟ خداوند در سوره مبارک دخان می‌فرماید: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعَيُْونٍ، وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ... چه باغ‌ها و چشمه‌سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادند، و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو. (دخان/۲۵-۲۶)

آیا مراد از «کریم» صاحب مقام است؟ قرآن در این آیات به نعمت‌هایی اشاره می‌کند که فرعون و یارانش، پس از غرق شدن، برای بنی‌اسرائیل بر جای گذاشتند. بنابراین، صاحبان مقام کریم نبودند؛ بلکه خود مقام کریم بود؛ بدین معنا که تمام نعمت‌ها و امکانات نهفته در خودش را به صاحبش می‌بخشید. به عبارت دیگر، آن مقام به حدی نعمت‌های فراوان داشت که در بخشیدن آنها به صاحبش هرگز بخل نمی‌ورزید و همواره مانند زمین حاصلخیز از خود ثمره به بیرون می‌داد. می‌بینیم که کریم در اینجا وصف مقام شده است؛ امین هم در آیه ۵۱ دخان وصف مقام است و "مقام امین" از باب مجاز نیست بلکه حقیقت است. (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۹)

۳-۳. عیش راضیه

یکی دیگر از جاهایی که مفسر مفهوم‌سازی خودش را جایگزین تعبیر آیه نموده سوره قارعه است. خداوند متعال می‌فرماید: «أَمَّا مَنْ تَلَّكَ مَوَازِينُهُ، فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (در آن روز) کسی که ترازوهای اعمالش سنگین است در یک زندگی خشنود خواهد بود (قارعه/۶-۷) در این آیه، «عِيشَة» با «راضِيَة»؛ که اسم فاعل است توصیف شده، در صورتی که باید با «مرضِيَة» که اسم مفعول است توصیف شود. زیرا کسی که در عیش است، از آن راضی است، نه اینکه خود عیش راضی باشد. لذا مفسرین این آیه را مجاز عقلی می‌دانند که

«نسبت خضوع به "اعتناق" در واقع نسبت به خودشان است و این مجاز عقلی می‌باشد زیرا خضوع اولین بار در عنق انسان ظاهر می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۴۸: ۲۵/۱۵، ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷/۱۵۷)

در آیه ۲۶ سوره عنکبوت خداوند در خصوص کلام حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: «فَأَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ... و لوط به او [ابراهیم] ایمان آورد، و (ابراهیم) گفت: «من بسوی پروردگارم هجرت می‌کنم که او صاحب قدرت و حکیم است» مفسرین می‌نویسند منظور از مهاجرت، دوری از مشرکین و وطن برای خدا است؛ یعنی حضرت فرمود: من این زحمت‌ها را تحمل می‌کنم تا در غربت کسی مانع یکتاپرستی‌ام نشود لذا مهاجرت به سوی خدا نوعی مجاز عقلی است با علاقه علیّت. (۱۳۴۸: ۱۶/۱۲۲ و فخررازی، ۱۴۲۱: ۲۵/۴)

همچنین در آیه ۶۷ سوره یونس خداوند در خصوص معرفت توحیدی می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ النَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ.. او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند». برخی مفسرین در اینجا نیز نسبت "ابصار" به "نهار" را از باب مجاز عقلی دانسته با علاقه زمانیت. (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۲: ۵/۴۰۵ و ابن‌عاشور، ۱۴۱۷: ۱۳)

۴. نتیجه‌گیری:

در نتیجه‌گیری بیان می‌گردد که هر تصویر قرآنی باید در جای خودش معنا گردد و ما نمی‌توانیم در قرآن تعبیراتی را به جای تعبیرات دیگر به کار ببریم و تغییراتی را در حروف، معنا و وصف ایجاد کنیم. متأسفانه این امر در برخی تفاسیر رعایت نگردیده و در مواردی وقتی خواسته‌اند آیات را توضیح بدهند؛ مفهوم‌سازی خودشان را جایگزین آیات کرده‌اند و این عمل موجب تغییر در عبارت‌های قرآنی گردیده است. یکی از مواردی را که برخی در تفسیر مفهوم‌سازی خودشان را جایگزین آیات نموده‌اند تغییر اوصاف می‌باشد. آنان معانی دیگری را برای اوصاف بیان شده در قرآن در نظر گرفته‌اند که این امر ضمن تغییر در عبارت‌های قرآنی؛ موجب عدم درک مفهوم‌سازی قرآنی و نکات نهفته در آن گردیده است. به طور مثال:

برخی از مفسرین "ماتی" را در این آیه به معنای "آتی" گرفته و اسم مفعول را در اینجا به معنای اسم فاعل دانسته بودند. بیان گردید علت اینکه خداوند در آیه مورد نظر از مفعول استفاده نموده این بوده که "ماتی" وعده‌گاه الهی است و آن تغییرناپذیر و دارای

(مرضیه) بدانیم یعنی آن شخص(صاحب عیش) از عیشش راضی است، و این رضایت او حالت ثبوت و تغییرناپذیری دارد (چون در تعریف مفعول که بیان شد ثبوت نهفته است) و این عیش است که تغییر می‌کند؛ در حالی که آیه عکس این مفهوم‌سازی را بیان نموده است؛ خداوند متعال در این آیه؛ راضیه و خوشی را به خود عیش نسبت داد و این "عیش" از آنجایی که وعده الهی است تغییرناپذیر است و دارای حالت ثبوت و استقامت است. در مقابل، این وضعیت انسان‌هاست که تغییرپذیر است؛ ممکن است آنها ثبات و استقامت داشته باشند و به آن عیش دست بیابند؛ یا اینکه استقامت و پایداری نداشته باشند و به آن نرسند لذا اینجاست که خداوند وضعیت انسان‌ها را با اسم فاعل بیان نموده است.(همان‌طور که قبلاً در تعریف گذشت اسم فاعل بر حدوث و نه ثبوت دلالت داشته است).

به تعبیر دیگر آیه عیش را همچون ظرفی در نظر گرفته که شخص موردنظر داخل آن است. اکنون فرض کنید شخصی از دیگری راضی است. پیداست که در این صورت او تلاش خواهد کرد تا خواسته‌های او را برآورده سازد و عملاً تمام امکانات خود را در اختیار او قرار خواهد داد. به طور طبیعی، هر قدر رضایت او بیشتر باشد، به همان اندازه اهمیت و احترام زیادی برای او قائل خواهد شد؛ بنابراین، میان این دو امر رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. در آیه عیش به عنوان راضی توصیف شده است. عیش از شخصی که درون آن قرار دارد راضی است. از این‌رو، به تمام معنا در اختیار او است. این تعبیر نشان می‌دهد که او بالاترین حد عیش را خواهد داشت. آیه صرفاً نمی‌گوید که این شخص در شدت رضایت قرار دارد و از این‌رو، خود عیش هم به راضی بودن موصوف می‌شود، بلکه عیش که به عنوان ظرف تعبیر شده، از مظروفش کاملاً راضی است و او هم به تمام معنا در عیش خواهد بود.(قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

بنابراین این عیش است که ثابت در نظر گرفته می‌شود و انسان‌ها به سوی آن در حرکتند؛ ممکن است با ثبات و استقامت بدان دست یابند و یا با عدم استقامت و پایداری از آن محروم گردند. لذا سخن خداوند متعال در این آیه به نظر حقیقت است و نه مجاز. ما در قرآن نمونه‌های فراوانی داریم که از همین باب بوده و مفسر مفهوم‌سازی خودش را جایگزین آیات نموده و تغییر وصف ایجاد نموده است. در اینجا به خاطر عدم اطاله کلام فقط به برخی از آن موارد در آیه اشاره می‌کنیم.

خداوند در آیه ۲۶ سوره شعراء در خصوص قدرت بر ایمان اجباری کفار می‌فرماید: «إِنْ نَشَأْ نُذَلِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.. اگر ما اراده کنیم، از آسمان بر آنان آیه‌ای نازل می‌کنیم که گردن‌هایشان در برابر آن خاضع گردد. در اینجا

بابائی، علی اکبر، (۱۳۷۹ش) *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت

بستانی، فؤاد افرا، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ *ابجدی عربی-فارسی*، مترجم: مهیار، رضا، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی

پالمر، فرانک، (۱۳۸۱)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز

ثعلبی، ابواسحاق احمد، (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)*، تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی

حقّی بروسوی، اسماعیل، (بی‌تا)، *تفسیر روح البیان*، بیروت، ناشر: دارالفکر رازی شافعی، فخر الدین محمد بن عمر التیمی، (۱۴۲۱ق)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، چ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه

راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه

رزقانی، محمد عبد العظیم، (بی‌تا)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی

زمخشری، جارالله، (بی‌تا)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۶۳ش)، *الدر المنثور*، تهران، انتشارات امیرکبیر شرتونی، رشید، (۱۳۹۶ش)، *مبادی العربیه*، مترجم: سیدعلی حسینی، تهران: ناشر: دار العلم

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: انتشارات آگاه طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۴۸ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم

طباطبائی، محمدرضا، (۱۳۸۵ش)، *صرف ساده*، تهران، انتشارات دار العلم

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محلاتی طهرانی، آغا بزرگ، (۱۳۵۴ش)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، طهران، المکتبه الاسلامیه طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۲ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی

عمر، احمد مختار، (۱۳۷۵)، *معناشناسی*، ترجمه حسین سیدی، مشهد، ناشر: دانشگاه فردوسی مشهد

غلابی، مصطفی بن محمد سلیم، (۱۴۱۴ق)، *جامع الدروس العربیه*، بیروت، الناشر: المکتبه العصریه

قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۶) *جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن*، صحیفه میمن، شماره ۴۰

قائم‌نیا، علیرضا، (۱۳۹۰ش)، *معناشناسی شناختی قرآن*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مطبع، مهدی، (۱۳۸۷ش)، *معناشناسی زیبایی در قرآن کریم*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)

مقالات:

بستانی، قاسم، (۱۳۹۰) کاربرد روش‌های معنا شناسی نوین در پژوهش‌های قرآنی، مطالعات قرآن و حدیث، شماره اول ص ۱۷۱-۱۷۳

سمیرا خسروی، حسین خاکپور و سمیرا دهقان، (۱۳۹۳) بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن، مجله پژوهش‌های ادبی- قرآنی سال دوم

شماره ۴ ص ۹۶-۹۷

حالت ثبوت و استقامت است. در مقابل، این وضعیت انسان‌هاست که تغییرپذیر است؛ احتمال دارد آنها ثبات و استقامت داشته باشند و به آن "ماتی" دست بیابند؛ یا اینکه استقامت و پایداری نداشته باشند و به آن باغ‌ها نرسند. در نتیجه چون محور سخن خداوند متعال در مورد وعده‌اش می‌باشد به صورت مفعول آورده تا بیان نماید وعده ما حقّ و تغییرناپذیر است.

در آیه "مقام امین" برخی از مفسران در این آیه «امین» را وصف مقام نگرفته؛ بلکه آن را وصف برای صاحب مقام دانسته‌اند؛ یعنی متقین در جایگاهی هستند که در آنجا صاحب مقام دارای امنیت است. بیان گردید که اولاً: «امین» وصف خود مقام می‌شود و آیه تصویری از سرنوشت متقین را ترسیم می‌کند. خداوند آنها را در مقامی داخل خواهد ساخت که هیچ‌گاه به آنها خیانت نمی‌کند و نسبت به آنها امین است. ثانیاً: این برداشت مفسران؛ که «امین» را وصف صاحب مقام دانسته‌اند، با آیات دیگر قرآن (مقام کریم) نمی‌سازد.

همچنین آیه "عِشَّةٌ رَاضِيَه" اسم فاعل را اسم مفعول توصیف نمودند و در آنجا نیز بیان گردید "عیش" از آنجایی که وعده الهی است تغییرناپذیر است و دارای حالت ثبوت و استقامت است. در مقابل، این وضعیت انسان‌هاست که تغییرپذیر است؛ ممکن است آنها ثبات و استقامت داشته باشند و به آن عیش دست بیابند؛ یا اینکه استقامت و پایداری نداشته باشند و به آن نرسند لذا خداوند وضعیت انسان‌ها را با اسم فاعل بیان نموده است.

بنابراین با توجه به اینکه هر تصویر قرآنی بر مفهوم‌سازی خاصی استوار بوده و در جای خودش باید معنا شود لذا پیشنهاد می‌گردد مفهوم هر آیه بر مفهوم‌سازی خاص خودش بیان گردد و نباید اصالت آن جابجا و یا به جای کلمه دیگری به کار رود. زیرا برگرداندن تصویری به جای تصویر دیگر؛ موجب بهم‌ریختگی مفهوم‌سازی نهفته در هر تصویر می‌گردد.

۵. منابع

ابن جریر، محمد، (۱۴۰۸ق)، *الجامع البیان عن تأویل آیه القرآن*، (تفسیر طبری) بیروت، دار احیاء التراث العربی

ابن منظور، (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی

ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۱۷ق)، *التحریر و التنویر*، تونس، دار بوسلامه للنشر و التوزیع

استرآبادی، رضی الدین، (۱۳۸۴ش)، *شرح الرضی علی الکافی*، تهران، نشر موسسه الصادق

آلوسی، شهاب الدین، سید محمود، (۱۴۱۷ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمد حسین العرب، بیروت، دار الفکر

ایزوتسو، تو شی هیکو، (۱۳۶۱ش)، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم احمد آرام، تهران، ناشر: سهامی انتشار

References

- Alusi, Shihab Al-Din, Sayyid Mahmoud, (1417 AH), *Ruh Al-Ma'ani Fi Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, By the Effort of Muhammad Hussein Al-Arab, Beirut, Dar Al-Fikr
- Astarabadi, Radhi Al-Din, (1384 AH), *Sharh Al-Radi' Ali Al-Kafiyyah*, Tehran, Al-Sadiq Foundation Publishing
- Baba'i, Ali Akbar, (1379 AH) *Methodology of Quranic Interpretation*, First Edition, Tehran, Samt Publishing
- Bostani, Fouad Afram, (1996), *Arabic-Persian Alphabet Dictionary*, Translator: Mahyar, Reza, Second Edition, Tehran, Islamic Publishing
- Ghalaeyini, Mustafa bin Muhammad Salim, (1991), *Jame'e al-Duros al-Arabiya*, Beirut, Publisher: Al-Muktab al-Asriyah
- Haqqi Rusawy, Ismail, (Beta), *Tafsir Ruh Al-Bayan*, Beirut, Publisher: Dar Al-Fikr
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1417AH), *Al-Tahrir Wa Al-Tanvir*, Tunis, Dar Boussalama For Publishing And Distribution
- Ibn Jarir, Muhammad, (1408 AH), *Al-Jami' Al-Bayan 'an Ta'wil A'yah Al-Quran*, (Tabari's Tafsir) Beirut, Dar Ihya'a Al-Turahat Al-Arabi
- Ibn Manzoor, (1408 AH), *Lisan Al-Arab*, First Edition, Beirut, Dar Ihya'a Al-Turahat Al-Arabi
- Izutsu, To Shi Hiko, (1361 AH), *God and Man in the Quran*, Translated by Ahmad Aram, Tehran, Publisher: Sahami Publications
- Mati', Mehdi, (2008), *Semantics of Beauty in the Holy Quran*, Tehran, Imam Sadiq University (AS)
- Omar, Ahmad Mukhtar, (1996), *Semantics*, translated by Hossein Seyidi, Mashhad, Publisher: Ferdowsi University of Mashhad
- Palmer, Frank, (2002), *A New Look at Semantics*, Translated by Cyrus Safavi, Third Edition, Tehran: Markaz Publishing
- Qaeminia, Alireza, (2011), *Cognitive Semantics of the Quran*, First Edition, Tehran, Publications of the Research Institute of Islamic Culture and Thought
- Qasimi, Hamid Muhammad. (2007) *Manifestations of the Art of Imagery in the Quran*, *Sahifah-e-Mobin*, No. 40
- Ragheb Isfahani, Hossein, (1416 AH), *Mufradat Al-Fazl Al-Quran*, Researched by Adnan Davoudi, Beirut, Dar Al-Shamiyah
- Razi Shafi'i, Fakhr Al-Din Muhammad bin Omar Al-Tamimi, (1421 AH), *Mafatih Al-Ghayb (Tafsir Al-Kabir)*, First Chapter, Beirut, Dar Al-Kutb Al-Ilamiyah
- Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1981) *Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah Publications
- Shalabi, Abu Ishaq Ahmad, (1422 AH), *Al-Kashf and Al-Bayan (Tafsir Al-Bayan)*, Researched by Abi Muhammad bin Ashur, Beirut, Dara Hayya Al-Turaht Al-Araby
- Shartouni, Rashid, (1997), *Mabadi al-Arabiya*, Translated by Seyyed Ali Hosseini, Tehran, Publisher: Dar al-Ilm
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman, (1948), *Al-Dardar al-Manthur*, Tehran, Amir Kabir Publications
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan, (1406 AH), *Majma' al-Bayan fi tasfir al-Quran*, Taqqiq mahallati
- Tabatabai, Mohammad Hossein, (1969), *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Translated by Mohammad Javad Hojjati Kermani, Qom, Dar al-Ilm Press Establishment
- Tabatabai, Mohammad Reza (2006), *Saraf sadeh*, Tehran, Dar al-Ilm Publications
- Tehrani, Agha Bozorg, (1354 AH), *Al-Dhari'ah ila Tasnif al-Shi'ah*, Tehran, Al-Muktabah al-Islamiyyah
- Tusi, Muhammad ibn Hassan, (1402 AH), *Al-Tabyan fi tasfir al-Quran*, Beirut, Dara Hayya al-Turat al-Arabi
- Zamakhshari, Jarallah, (Beta), *Al-Kashaf an Haqqat al-Gwamad al-Tanzil*, Beirut, Dar al-Kutb al-Araby
- Zarqani, Muhammad Abdul Azim, (Beta), *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran*, Beirut, Dar Ihya al-Turat al-Araby

Articles:

- Bostani, Qasem, (2011) *Application of Modern Semantics Methods in Quranic Research*, *Quran and Hadith Studies*, No. ۱, pp. 171-173
- Samira Khosravi, Hossein Khakpour and Samira Dehghan, (2014) *A Study of Conceptual Designs in Cognitive Semantics Vocabulary of the Quran*, *Journal of Literary-Quranic Research*, Year 2 Issue 4, pp. 97-96.